

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

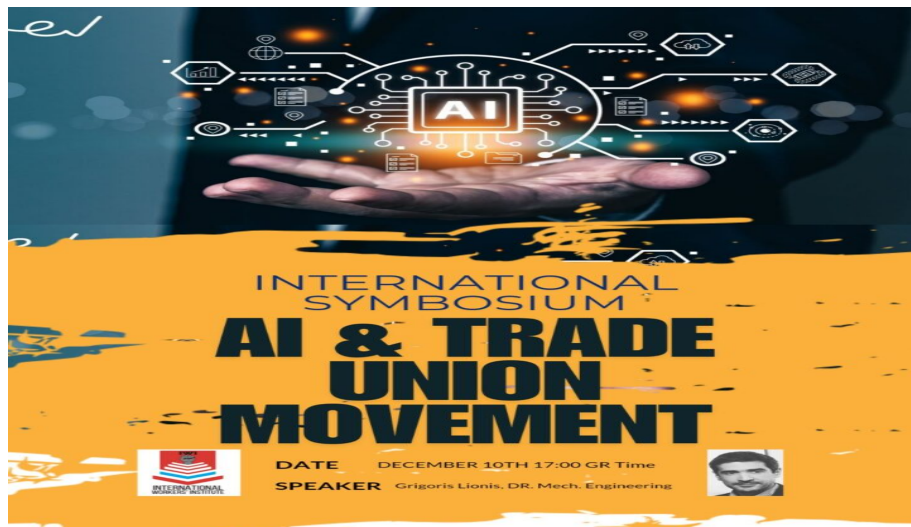
سیاسی

سخنرانی رفیق گریگوریس لیونیس، دکتر مهندسی مکانیک
برگردان: آمادور نویدی
۲۲ جنوری ۲۰۲۵



گریگوریس لیونیس

هوش مصنوعی و جنبش اتحادیه‌های کارگری



در ۱۰ دسامبر ۲۰۲۴، همایش انجمن بین المللی کارگران (آی دبلیو آی- the International Workers Institute's symposium) درباره «هوش مصنوعی و جنبش اتحادیه‌های کارگری» با موفقیت از طریق زوم برگزار شد. بیش از ۹۰ اتحادیه کارگری از ۳۵ کشور در این سمینار حضور داشتند.
رفیق گریگوری لیونیس (Grigoris Lionis)، دکتر مهندس مکانیک سخنران اصلی بود.
رونوشت زیر اظهار نظر اصلی وی است.

هوش مصنوعی - (Artificial Intelligence-AI) و جنبش اتحادیه‌های کارگری



بحث درباره هوش مصنوعی بدنام، هوش مصنوعی و تأثیرش بر بشریت، و به ویژه بر کارگران، همانند اخگریست که اخیراً شعله‌ور گشته است.

تقریباً روزانه ده‌ها خبر و تحلیل در مورد پیشرفت‌های جدید هوش مصنوعی، و کاربردهای جدید در تولید و چگونگی بهتر کردن زندگی مردم انتشار می‌یابد.

و البته که جنبش کارگری باید به این موضوع بپردازد، تا اوضاع را بررسی کند، و به سؤالاتی که مطرح می‌شود پاسخ دهد، تا تحولات آینده را پیش‌بینی کند.

بحث امروز ما با هدف کمک کوچکی به این روند است، تا نگرش و بحث‌های جدیدی را راه بیندازد.

پیش از این‌که به این موضوع نگاهی ژرف‌تر بیندازیم، و تلاش کنیم پاسخی بدهیم که در واقع هوش مصنوعی چیست و حد و مرزش چیست، ما باید درک کنیم که هوش مصنوعی و کاربردهای آن در تولید واقعی است که عملاً به همه کارگران پنج قاره مربوط می‌شود.

مثال‌های زیادی از تأثیر هوش مصنوعی بر زندگی کارگران سراسر جهان موجود است:

* اطلاعاتی مختلفی در هند، در مراکز تماس هوش مصنوعی، ارزیابی میزان موفقیت و توانایی آن‌ها جهت کارکرد اتوماتیک (خودکار-automation) اکثریت قریب به اتفاق تماس‌ها موجود است.

* برزیل در حال ترویج طرحی بزرگ جهت توسعه هوش مصنوعی است، که علاوه بر کاربرد آن جهت «خدمات اجتماعی» به سیاست صنعتی هم مرتبط است. وزیر ماسیو الیاس روسا (Márcio Elias Rosa) اعلام نمود که هدف دولت اینست که با استفاده از «هوش مصنوعی در کارخانه‌ها، برزیل را بهره‌ور و رقابتی سازد.»

* در حالی که در آمریکا شعار «تولید را به آمریکا برگردانیم» سر داده می‌شود، بسیاری از شرکت‌ها هوش مصنوعی را به طور فزاینده‌ای در صنایع به کار گرفته‌اند.

* در حالی که اتحادیه اروپا در کاربرد روند هوش مصنوعی در تولید «رقابت» می‌کند، با بسیاری از قوانین جدید جهت تنظیم آن به پیش می‌رود،

* چین در کاربرد روبات‌های صنعتی پیش‌تاز جهان است.

و موارد دیگر از این نوع.

از آنجایی که سؤالات متعددی توسط خود پیش‌رفت به وجود می‌آید، باید بدانیم که هوش مصنوعی چیست، و از همه مهم‌تر، به چه کارهایی می‌پردازد؟ چگونه کار با هوش مصنوعی تکامل می‌یابد؟

آیا ما باید *تکنوفوبیک (تکنوهراس-technophobic) باشیم یا **تکنوفیل (تکنودوست-technophiles)؟

جنبش کارگری در دوران هوش مصنوعی چه باید کند؟

چگونه می‌توان از هوش مصنوعی به نفع مردم و کارگران استفاده نمود؟

چیزهای بسیار زیادی در باره تکنولوژی هوش مصنوعی می‌توان گفت، اما ارزش دارد که بر برخی حقایق متمرکز شد تا بتوان اهداف بحث ما را ارتقاء دهیم.

واژه هوش مصنوعی کم و بیش اصطلاحی حفاظتی یا کلی است که شامل تکنولوژی‌ها و راه‌های حل تکنیکی بسیار متفاوتیست، که به هر حال در یک نتیجه همگرا می‌شوند: عملکرد هوش مصنوعی به نظر می‌رسد که جای‌گزین عمل‌کردهای شناختی بشر می‌گردد. پروسه‌های خاصی که بتازگی نیازمند هوش و ذهن بشر بودند، اما الان می‌توانند با سیستم هوش مصنوعی کامپیوتری صورت پذیرند. پروسه‌هایی که خودکار (اتوماتیک) شده، و اغلب مرتبط به فعالیت‌هایی در حوزه هوشی هستند- جهت نمونه، برگردان متنی از یک زبان به زبانی دیگر- و به فعالیت‌هایی که عمل‌کردهای هوشی و ذهنی و عمل‌کردهای فیزیکی را کنترل می‌کنند، مانند راندن وسیله نقلیه، یا ساخت یک دیوار، که نه فقط به نیروی فیزیکی نیازمندست، بلکه به توانایی انجام وظایف مغز بشر هم نیازمندست: آگاهی و درک مشکلاتی که محیط می‌تواند «فراهم» کند، تا روی‌کردی متفاوت انتخاب کند و غیره.

پروسه اتوماسیون (خودکار - automation)- صنعت خودکار، روبات‌های سنتی- در محیطی ستندرد، مؤکداً تعریف شده، در خط تولیدی، و حتی در جایی‌که فضای کمی جهت انعطاف‌پذیری موجود بود، بخوبی کار می‌کردند، و استفاده از آن‌ها فقط در برنامه‌های کاربردی با حجم بسیار زیاد امکان‌پذیر بود، ولی هوش مصنوعی به این دستگاه‌ها انعطاف‌پذیری بیشتری «ارائه می‌دهد». دهه‌ها پس از توسعه چنین دستگاه‌هایی انسان موفق شده است که دستگاه‌هایی بسازد که اینک می‌توانند در چنین شرایطی کار کنند و در برخی از کارها جای‌گزین انسان گردند. این دستگاه‌ها از کامپیوترهای (رایانه‌های) بسیار بزرگی استفاده می‌کنند، که عمداً جهت انجام این کارها ساخته شده‌اند، ولی خلاف راه‌های حل سنتی، به حجم زیادی از داده‌هایی نیاز دارند که عمدتاً توسط انسان تولید شده، و «آموزش داده می‌شوند».

بنابراین، این دستگاه‌ها در واقع دارای یک پایه اجتماعی هستند، زیرا که به هر حال «هوش» آن‌ها، چیزی فراتر از «عصاره» هوش افرادی نیست که داده‌های آن‌ها به این دستگاه‌ها آموزش داده‌اند. به طور خلاصه، مدل‌های زبانی ماهر که «صحبت می‌کنند»، در واقع بیش‌تر از «تکرار طوطی‌وار» کلمات و عبارات، کاری نمی‌کنند و جملات، پاراگراف‌ها و متونی را که می‌سازند مانند چیزی است که از پیش تمرین کرده باشند. این دستگاه‌ها به آسانی ده‌ها میلیون صفحه را تنظیم و ویرایش کرده‌اند، که در عمل، بناگاه به یاد می‌آورند.

در نتیجه، این دستگاه‌ها، برای همیشه در ورش کنونی خود «فکر»، و درک نمی‌کنند که چه می‌گویند، اما چنان پاسخ‌های بغرنجی ارائه می‌دهند که گوئی به نظر می‌رسد در حال فکر کردن هستند و یا درک می‌کنند که چه می‌گویند. به همین دلیل در حال حاضر چنین دستگاه‌هایی نمی‌توانند جای‌گزین کامل انسان‌ها شوند.

به هر حال، این دستگاه‌ها به شیوه‌ای که کار می‌کنند- می‌توانند باروری نیروی کار را چندبرابر کنند به صورتی‌که کاهش شمار کارگران را توجیه‌پذیر و مجاز می‌کند، زیرا که کارگرها با دستگاه‌های هوش مصنوعی کارهایی را انجام می‌دهند که پیش‌تر با تعداد کارگران بیش‌تری صورت می‌گرفت. نمونه اخیر نتایج تماس‌گیری یک شرکت بزرگ مشخص می‌کند که مسیریابی اتوماتیک (خودکار) در ۹۵ درصد از تماس‌ها کاربرد داشته است.

انتظار می‌رود که توسعه سریع خیلی از چنین دست‌گاه‌های تکنولوژیک در سال‌های آینده بتوانند پروسه‌هایی را با کاهش قابل توجهی از تعداد نیروی انسانی انجام دهند، از رانندگی روباتی گرفته که ۹۰ تا ۹۵ درصد مسیر مسافرت را انجام می‌دهند تا روبات‌هایی که در پروسه تولید صنعتی به‌کار گرفته می‌شوند.

آیا نیروی کار انسانی با این ماشین‌ها حذف می‌شود؟ اگر صحبت از آینده میان‌مدت باشد، پاسخ ظنین‌انداز ما یک نه قاطع است. این ماشین‌ها فاقد آگاهی، قضاوت و توانایی درک و پاسخ به تحولات واقعی غیرمترقبه هستند.

به هر حال، بدون تردید واضح و واقعیتی است که سودآوری کار با به‌کارگیری چنین ماشین‌هایی افزایش یافته است، و این امر اجازه داده که وظایف تعداد بسیار کمتری از کارگرها را انجام دهد.

تقریباً، همه مطالعاتی که تأثیر روبات‌ها و هوش مصنوعی بر نیروی کار را برآورد می‌کنند، نتیجه‌گیری کرده‌اند که به‌کارگیری روبات‌ها منجر به از دست دادن مشاغل در صنایعی شده که از آن‌ها استفاده می‌کنند.

در واقع، اشاره این مطالعات به روبات‌های «ساده» است که پیش‌تر در صنعت به‌کار گرفته شده‌اند. روبات‌های جدید که با ماشین‌های هوش مصنوعی کار می‌کنند و در آینده نزدیک با توانایی‌های پیش‌تری می‌آیند، به‌طور عینی تأثیر بیشتری خواهند داشت.

البته، این موضوع، نباید برای هیچ‌کسی عجیب باشد، زیرا که بالاخره چیز تازه‌ای نیست. در هر فاز از توسعه راه‌های حل تکنولوژیک، از میزان اتوماسیون (automation) جهت افزایش سودآوری نیروی کار و جای‌گزینی نیروی انسانی استفاده گردیده که متعاقباً از یک بخش به بخش‌های دیگر منتقل و استفاده شده است.

احتمالاً مهم‌ترین مثال، در تولید کشاورزی باشد، که پیش از مکانیزه شدن تولید کشاورزی، کشاورزی بخش زیادی از نیروی کار را تقریباً در سراسر جهان جذب می‌کرد. مکانیزه شدن و اتوماسیون تولید کشاورزی، از نیروی کار شاغل در کشاورزی بشدت کاسته و از نظر تاریخی آن‌را جهت رفتن سراغ دیگر بخش‌های تولید آزاد نموده است.

تفاوت تکنیکی با هوش مصنوعی این واقعیت را گوش‌زد می‌کند که تغییرات، تولید خودکار و گرایش به جای‌گزینی نیروی انسانی تقریباً هم‌زمان همه بخش‌های اقتصاد را دربر می‌گیرد. ظهور هوش مصنوعی ربطی به این یا آن بخش از صنعت یا کشاورزی ندارد، بلکه مربوط به همه بخش‌های کاری، یا حداقل طیف گسترده‌ای از آن‌هاست.

اما بالاتر از همه، چیزی که به‌طور کلی بر ابزارهای تکنولوژیک جدید کار و روابط انسانی تأثیر گذار است، خود ساختار اجتماعی، کاپیتال (سرمایه-Capital) و مالکیت سرمایه است.

زمانی که ما تأثیرات ابزارهای تکنولوژیک جدید بر کار را مطالعه می‌کنیم، ما باید به خاطر داشته باشیم که در کاپیتالیسم (سرمایه‌داری-capitalism)، ابزار تولید، سرمایه را می‌سازد. به عبارت ساده‌تر، سرمایه فقط با گسترش مقدار خود، و سودش، سرمایه‌گذاری (Investment) می‌گردد. بنابراین، سرمایه‌گذاری سرمایه و کل سرمایه‌گذاری در سرمایه‌داری (capitalism)، بر مبنای سود و نرخ سود ترقی می‌کند. سرمایه‌گذاری بر مبنای نرخ مورد نظر سود اولویت‌بندی می‌گردد. به عبارتی دیگر، ابزارهای جدید تولید مطابق با نرخ سود توسعه یافته، و استفاده می‌شوند

در فضایی که ما در حال آزمودن تکنولوژی‌های جدید، هوش مصنوعی و روباتیک‌ها هستیم، این رصدکردن‌ها توضیح می‌دهد که چگونه کاپیتالیسم ابزارهای جدید تولید و ازدیاد سوداندوزی نیروی کار را به کار می‌گیرد. زمانی سرمایه‌گذاری در ابزارهای جدید تولید رخ می‌دهد که «هزینه» سرمایه‌گذاری کاهش پیدا کند، یعنی موقعی که نیروی کار مورد نیاز در یک شرکت خاص کاهش یابد. و در واقع موقعی که خسارت افزایش سرمایه‌گذاری به اندازه کافی کاهش یابد. یا موقعی که ابزارهای تولید سهم بازار را توسعه دهد، و بدان وسیله استخدام در شرکت‌های دیگر صنعت کاهش یابد.

انستیتوت تکنولوژی ماساچوست (MIT - Massachusetts Institute of Technology) با مطالعه ای که اخیراً در سال ۲۰۲۰ انجام داد، کشف نمود که هر روبات صنعتی مورد استفاده در امریکا- در فضائی وسیع‌تر- نیروی کار را تا ۶ کارگر کاهش می‌دهد. احتمالاً که تأثیرات در سایر کشورها با ساختار اقتصادی متفاوت فرق کند، اما واقعیت این است که سرمایه‌گذاری‌های کاپیتال (سرمایه)، یعنی سرمایه‌گذاری‌هایی که کشورها و شرکت‌های کاپیتالیستی (سرمایه‌داری) بر روی روبات‌ها و هوش مصنوعی می‌کنند، تأثیرات زیر را دارند:

آن‌ها (روبات‌ها و هوش مصنوعی) جای‌گزین نیروی انسانی می‌شوند، و تعداد مشاغل را کاهش می‌دهند، درحالی‌که مشاغلی را که باقی‌مانده اند تغییر می‌دهند، کار را بغرنج‌تر و اغلب طولانی‌تر می‌کنند و به دلیل بی‌کاری، آن‌ها (کشورها و شرکت‌های سرمایه‌داری) حتی می‌توانند دست‌مزد شاغلان را کاهش دهند.

به اضافه، درحالی‌که ما توسعه را در چارچوب شیوه تولید کاپیتالیستی (سرمایه‌داری) و امروزه در چارچوب کاپیتالیسم مونوپولی (سرمایه‌داری انحصاری- **monopoly capitalism**) مطالعه می‌کنیم، سرمایه‌گذاری‌های جدید در تولید خودکار (اتوماسیون- **automation**)، روبات‌ها و هوش مصنوعی این استعداد را دارند که حتی اوضاع ژئواکونومیک تولید را تحت تأثیر قرار دهند. در مناطق درحال توسعه جهان ممکن است که برخی از نیروی کار ارزان‌تر استخدام شده با ابزار تولید خودکار در مناطق توان‌گرت‌تر و مصرف‌کننده جای‌گزین گردند. جهت نمونه ساده، یک سیستم خودکار تولید لباس، بشدت نیروی مستقیم مورد نیاز را کم می‌کند و می‌تواند منجر به حذف قابل‌توجه نیروی انسانی در جنوب شرق آسیا شود، که اینک «مرکز» (ماتریکس- **matrix**) صنعت پوشاک و کفش است.

تکنولوژی‌های جدید، جداً از اقتصاد برای قدرت‌های سیاسی و نظامی نیز حیاتی اند. ما مشاهده می‌کنیم که تکنولوژی‌های جدید در جنگ‌هایی که ناتو در سراسر جهان به راه انداخته، مورد استفاده قرار می‌گیرند، و از این نظر کافیست دنبال دلایلی باشیم و بدانیم که چرا امریکا و ناتو سعی می‌کنند برتری تکنولوژیک خود را حفظ کنند، درحالی‌که انواع جنگ‌های اقتصادی را علیه بریکس و به ویژه چین به کار می‌گیرند.

تا این‌جا به نظر می‌رسد که چرایی بحث توضیح می‌دهد معضل واقعی جنبش کارگری تکنوهراسی (**technophobic**) یا تکنودوستی (**technophiles**) نیست.

از یک سو، تکنولوژی، هوش مصنوعی و روبات‌ها مشکل اتحادیه‌های کارگری نیستند، اما با این‌حال، آن‌ها چیزی جز نتایج خود تولید اجتماعی، تجربه کاری مترکم بشری تدوین شده به عنوان علم است، که به هر حال توسط خود ما اختراع شده اند. از آنجائی‌که هرچه پیش‌تر هوش مصنوعی به ویژه ارتباط‌های میلیون‌ها یا میلیارد‌ها انسان را رمزگذاری می‌کند، یعنی یک شخصیت اجتماعی دارد. تحت شرایط کنونی، شرایط به طور کلی برای توسعه و کاربرد هوش مصنوعی و تکنولوژی‌های جدید توسط «کارفرماها و اربابان جهان»، طبقات بورژوازی و کشورهای بورژوائی تعیین می‌شود. در نتیجه، با تکنولوژی‌های جدید هیچ مشکلی وجود ندارد. مشکل اینست که امروز، و تازمانی‌که کاپیتالیسم (سرمایه‌داری) موجودست، بهره‌وری از همه این تکنولوژی‌های جدید به نفع سرمایه‌دار خواهد بود، تا سود بیش‌تر و نرخ بیش‌تر سود را تضمین کند.

مسیر توسعه ابزار تولید و بهره‌وری سرمایه به معنای اینست که امروزه، از تکنولوژی‌های جدید نه تنها جهت حل مشکلات کارگران استفاده نمی‌گردد، بلکه به طور عینی مشکلات آن‌ها را بیش‌تر می‌کند

* تکنولوژی، هوش مصنوعی و روبات‌ها منجر به وخامت شرایط کاری کارگرا، کاهش اشتغال و افزایش ساعات کاری آن‌ها خواهند شد.

*استثمار دولت منجر به کارآمد شدن عملکرد دولت‌ها می‌شود، یعنی اخذ مالیات سنگین از مردم، در سرکوب دولت و نظارت بر مبارزات کارگری.

*استثمار تکنولوژی، هوش مصنوعی و روبات‌ها توسط امپریالیسم، سلاح‌های جدید و حتی سلاح‌های خطرناک‌تر تولید می‌کند که منجر به قدرت بیش‌تر آن‌ها می‌گردد.

در نتیجه، کاملاً غیرقابل قبول است که تصور کنیم مشکلات کارگرها را در کشور می‌توان با تکنولوژی جدید در پروسه تولید حل نمود. تکنولوژی‌های جدید با میزان افزایش سود و کارائی دولت ترقی می‌کند، و بنابراین تأثیر منفی بر زندگی کارگرها دارد. نیروهائی که در سیاست و در اتحادیه‌های کارگری، «تکنولوژی‌های» مشخصی را ترویج می‌کنند، و این موضع را مطرح می‌کنند که تکنولوژی بیش‌تر می‌تواند زمینه ای جهت بهبود زندگی کارگرها باشد، عمداً یا غیر عمد باعث ایجاد توهم شوند.

بنابراین، مشکل واقعی، این نیست که آیا ما انکارکنندگان یا حامیان تکنولوژی هستیم. مشکل ما تکنولوژی نیست. مشکل ما روابط اقتصادیست که در آن توسعه یافته و بهره برداری می‌شود.

ما بر این باوریم که تکنولوژی‌های جدید این ظرفیت را دارند که در یک چارچوب رادیکال و متفاوت اجتماعی و اقتصادی، نقش بسیار مهمی به نفع کارگرها بازی کنند.

در یک نظام اجتماعی که عاری از سود و مالکیت کاپیتالیستی (سرمایه‌داری)، جائی که تولید جهت رفع نیازهای گسترده شاغلان توسعه یافته باشد، تکنولوژی‌های جدید، روبات‌ها، و هوش مصنوعی می‌توانند بشدت و با نتایج مثبت به کار گرفته شوند.

تکنولوژی‌ها، روبات‌ها، اتوماسیون در تولید فی‌نفسه توسعه خواهند یافت و مورد بهره برداری قرار می‌گیرند تا اساساً از زحمت بشری کاسته، و وظایف انسان‌ها را آسان‌تر کنند، که منجر به کاهش سریع ساعت‌های کاری گردد، و در عین حال ستندرد زندگی و سطح مصرف را بهبود بخشند.

همزمان، از نظر سازمان اجتماعی، تکنولوژی‌های جدید و هوش مصنوعی می‌توانند پیشرفت‌های بزرگی را در طرح‌ریزی مرکزی علمی ارائه دهند و به حل مشکلاتی بپردازند که پیش‌تر حل آن‌ها خیلی مشکل بود.

امکاناتی که پیش‌بینی مصرف بتواند تولید را با نیازها خیلی بهتر هم‌تراز کند، امکاناتی که مدیریت حجم زیادی از داده‌ها را با طرح‌ریزی مرکزی علمی سوسیالیسم تکثیر کند تا به حل مشکلات بفرنج تولید بسیار کمک کند.

تکنولوژی‌های جدید می‌تواند به خدمات آموزشی و مراقبت‌های بهداشتی جهت افزایش کارائی آن‌ها کمک کند و نه به‌عنوان یک جای‌گزین ارزان برای اقشار عمومی که مثل امروز استفاده می‌شوند.

بالاخره، ظرفیت عظیم متداول جدید ابزار تولید چیزی به جز همان تقسیم اجتماعی کار عمیق‌تر و سرشت اجتماعی آن را منعکس نمی‌کند. نیروهای تولیدی جدید نیاز به تغییر روابط تولید را اعلام می‌کنند، آنها اطلاع می‌دهند که اکنون روابط کاپیتالیستی (سرمایه‌داری) بیش از هر زمان دیگری رشد کرده است. آن‌ها نیاز به سوسیالیسم را اعلام می‌کنند.

جنبش کارگری کنونی بابداز تئوری اقتصادی خود به‌عنوان مشعلی جهت روشنائی و پیش‌روی راه خود استفاده کنند. جنبش کارگری باید با درکی روشن از تأثیر ابزار تولید بر کار و توازن قواء پیش‌روی کند.

جنبش کارگری باید درک کند که هر دو طرفی که تبلیغات بورژوازی را برجسته می‌کند به یک میزان بی‌فایده است. روبات‌ها و هوش مصنوعی «روح شیطانی» نیستند که بتوان آن‌ها را تطهیر نمود و از بدن خارج ساخت. مشکل، تکنولوژی نیست.

همزمان، بهره برداری از روبات‌ها و هوش مصنوعی توسط کشور و کاپیتال(سرمایه) مشکلاتمان را در محل کار، یا در اجتماع حل نمی‌کند، به عکس آن‌ها را چندبرابر می‌کند. به طور کلی، ظهور و توسعه روبات‌ها و هوش مصنوعی «اقتصاد» را بهتر نمی‌کند، بلکه فقط به نفع سرمایه‌دارهایی است که مالک این دستگاه‌ها هستند جنبش بین المللی کارگری تحت موقعیت فعلی، باید با قوانین کاپیتالیستی که به دنبال بهره برداری بیشتر از تکنولوژی‌های جدید به حساب کارگران است، مبارزه و مخالفت کند.

جنبش بین المللی کارگری باید جهت تشریح چارچوبی از خواسته‌هایی که واقعیت اجتماعی را آشکار می‌سازد، توضیح دهد که مشکل نه تکنولوژی، بلکه مالک سرمایه‌دار است، و تأثیر تکنولوژی‌های جدید را در بخش‌های مختلف و در کشور خود به موقع پیش‌بینی کند.

کاهش شدید ساعات کار، همزمان افزایش دست‌مزد و بهبود شرایط کار باید در کانون مبارزات کارگری قرار گیرد. مبارزات امروزی کارگران مسیر را نیز برای تغییرات اجتماعی بزرگ مورد نیاز کارگری در سراسر جهان هموار خواهد ساخت.

<https://www.theoryandpraxis.eu/ai-trade-union-movement-documents-materials-from-the-iwi-symposium>

* تکنوفوبیک(technophobic) = تکنو هراس یا فن هراس

**تکنوفیل(technophiles)= تکنودوست یا فن دوست

برگرداننده شده از:

AI (ARTIFICIAL INTELLIGENCE) AND THE TRADE UNION MOVEMENT

Posted by [MLToday](#) | Dec 23, 2024

Grigoris Lionis (Dr. Mech. Engineering/

<https://mltoday.com/ai-artificial-intelligence-and-the-trade-union-movement/>